

اتحاد سوسیالیستی ایرانیان - مونترال

etehadsocialisti@yahoo.ca

گزارش

تظاهرات ضد سرمایه داری اول ماه مه در مونترال - کانادا



اول ماه مه امسال در مونترال ما شاهد تظاهرات مستقل و ضد سرمایه داری وسیعی بودیم که هم از نظر کمیت و هم به دلیل کیفیت انقلابی، گام مهمی در ارتقاء مبارزه سیاسی - طبقاتی در این شهر به شمار می رود.

از ماه ها پیش کمیته ای از احزاب، سازمان ها و کمیته های اجتماعی، از جمله اتحاد سوسیالیستی ایرانیان - مونترال، تشکیل شده بود تا تدارک باشکوه این روز تاریخی را ببیند.

در این جا لازم است یادآوری کنیم که در کانادا اول ماه مه را معمولاً همان روز برگزار نمی کنند زیرا اصولاً اول ماه مه تعطیل عمومی نیست. این یکی از نقاط ضعف جنبش کارگری در کاناداست که تاکنون نتوانسته اول ماه مه را به عنوان "روز کارگران" به دولت تحمیل کند. سندیکاها و جریانات سیاسی سازشکار نیز عملاً با پذیرش سیاست های دولت در این زمینه به جای کوشش در برگزاری تظاهرات در اول ماه مه، آن را به روزهای تعطیل عمومی از قبیل شنبه، یک شنبه یا روز تعطیل دیگر محول می کنند.

منیاب نمونه امسال سندیکاها و جریانات سیاسی رفرمیست اول ماه مه را روز شنبه، "سوم" ماهه! که تعطیل آخر هفته است، برگزار کردند.

بحث و گفتگو بر سر اهمیت برگزاری روز کارگر در اول ماه مه، در واقع بحث بر سر سیاست و کردار اصولی است که با آور اهمیت سیاسی این روز تاریخی می باشد. همانطور که می دانیم اول ماه مه روزی است که اعتصاب کارگران در شیکاگو در سال ۱۸۸۶ توسط پلیس به شدت سرکوب شد و از آن پس این روز به عنوان روز مبارزه کارگران و زحمت کشان علیه نظام استثمارگر سرمایه داری توسط کارگران جهان برگزار می شود.

از این رو، اصرار بر برگزاری اول ماه مه در روز اول ماه مه، در واقع پاسفاری بر بار سیاسی ضد سرمایه داری این روز تاریخی است. بیش از ۲۰ حزب، سازمان و کمیته های اجتماعی انقلابی برای برگزاری تظاهرات اول ماه مه محله های فقیرنشین و کارگری شهر مونترال، یعنی Hochelaga-Maisonneuve را انتخاب کرده بودند و فعالان جریانات

سیاسی انقلابی از ساعات اولیه صبح در محل گرد هم آیی تظاهرات میدان Valois در تقاطع Ontario با Valois. حاضر شدند و با بحث و گفتگو با ساکنان محل، علل بیکاری، فقر و شرایط سخت زندگی را تشریح کردند.

حدود ساعت ۵ بعد از ظهر که میدان از جمعیت موج می زد، غذای دسته جمعی صرف شد که همراه بود با نمایش های مختلف، سخنرانی و بحث در مورد مسایل کارگری، جنگ های امپریالیستی و بحران دنیای سرمایه داری!

جو عمومی، جو شادی و جشن با شرکت ساکنان منطقه، کارگران جوان و مسن، خانواده ها همراه با بچه های خرد سال خود بود.

اما، حضور چشم گیر پلیس در اطراف میدان محل تجمع موجب حیرت و تعجب توده های شرکت کننده در تظاهرات گردید، زیرا هیچ دلیل منطقی برای چنین حضوری وجود نداشت.

اشکار بود که پلیس در جستجوی بهانه ای است تا تظاهرات را- که در چارچوب قانون جریان داشت- غیر قانونی اعلام کند. واقعیت این است که حضور وسیع توده های مردم، کارگران و زحمت کشان، دانشجویان و... در تظاهرات با توجه به شعارهای رادیکال و شرکت احزاب و جریانات انقلابی، بویژه انتخاب روز اول ماه مه برای تظاهرات، چندان خوشایند دولت سرمایه داری نیست و چنانچه این تظاهرات زمینه اجتماعی بیاید عملاً اوضاع از حیطة ی قدرت بورژوازی و دستگاه عظیم کنترل جنبش کارگری خارج خواهد شد و در نتیجه مشکلات استراتژیک لانجلی برای دولت ببار می آید.

از این رو جلوگیری از ادامه تظاهرات، بویژه که قرار بود از محله های فقیرنشین به سوی مرکز شهر حرکت کند، در دستور قرار

گرفت. حدود ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر تظاهرات به سمت مرکز شهر به راه افتاد. جوش و خروش تظاهر کنندگان به دادن شعارهای ضد سرمایه داری پرداختند و خیابان Ontario ملو از پرچم های سرخ گردید و بسیاری از مردم با فهمیدن علت تظاهرات به صفوف آن می پیوستند.

در این زمان بود که ناگهان دو فرد که در این محله همه آن ها را به عنوان فاشیست های سازمان یافته می شناختند، به پروو کاسیون و توهین به تظاهر کنندگان پرداختند. تظاهر کنندگان سعی در دور کردن آن ها از صفوف تظاهرات کردند و این درحالی بود که پلیس شهر مونترال در محل حضور داشت و شاهد پروو کاسیون این دو فرد بود ولی هیچ اقدامی برای جلوگیری از آن ها نمی کرد.

درست چند لحظه پس از این حادثه نیروهای پلیس که از پیش خود را آماده کرده بودند به تظاهرات حمله بردند و به تنگ زدن تظاهر کنندگان پرداختند و ۸ نفر را نیز دستگیر کردند. لازم است که یادآوری کنیم که در این تظاهرات خانواده ها با بچه های خرد سال و افراد مسن شرکت داشتند.

بسیاری از تظاهر کنندگان کوشیدند تا علیرغم حمله پلیس، به تظاهرات ادامه دهند.

تظاهرات در خیابان های اطراف تا مدتی ادامه یافت و سرانجام جلوی متروی Papineau پایان یافت.

با این همه و با وجود اقدام غیر قانونی توجیه ناپذیر پلیس شهر مونترال، تظاهرات ضد سرمایه داری اول ماه مه موفقیت بزرگی بود. شرکت وسیع مردم در این تظاهرات چنان بود که آن را تبدیل به موفق ترین تظاهرات در ۵ سال اخیر نمود و می توان آن را به عنوان آغازی رادیکال برای ادامه مبارزه ضد سرمایه داری نیروهای انقلابی ارزیابی نمود.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!!!

امروز در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر میرویم که سایه ی شوم و نکبت بار سرمایه، همچنان بر دوش طبقه ی کارگر و مزدبگیران محروم و تحت ستم جامعه سنگینی می کند و بیش از پیش آحاد این طبقه را به ورطه ی سقوط و خانه خرابی می کشاند. نظام سرمایه داری و طبقه ی سرمایه دار، برای انباشت هر چه افزون تر سرمایه و کسب اضافه ارزش و به دنبال آن سود سرشار، شرایط بغایت سخت و طاقت فرسایی را به کارگران و مردم تحت ستم تحمیل می نماید و آنان را به روز سیاه می نشاند.

شیوه ی تولید سرمایه داری و مناسبات نابرابر و کارگر ستیز آن آنچنان جهنمی برای کارگران، بر روی این کره ی خاکی بوجود آورده است که روزانه انسان های زیادی، در آن به کام مرگ و نابودی کشیده می شوند و به روز سیاه می نشینند.

فقر، فلاکت، بیکاری، فساد، تن فروشی، نامنی، اعتیاد جنگهای خانمان برانداز امپریالیستی و هزاران درد و رنج دیگر، خود از تبعات اجتناب ناپذیر چنین نظامی است. ثمره ی علم و دانش و تکنولوژی و فن آوری به جای اینکه در خدمت سعادت و پیشرفت بشری قرار گیرد و موجبات خوشبختی و تعالی آنها را فراهم نماید، به طور عمده در خدمت حکومت های سرمایه سالار برای سرکوب و انقیاد توده های کارگر و مردم تحت ستم قرار می گیرد، جنگ های امپریالیستی و دیگر جنگهای قومی و قبیله ای را زیر لوای دمکراسی خواهی، دامن میزند و تحجر گرای ملی و مذهبی را جایگزین آن می کند، که نمونه بارز آن را در عراق و افغانستان شاهد می باشیم.

خیلی دور از انتظار نخواهد بود که در یک چنین نظامی هرگونه حرکت آزادی خواهانه و برابری طلبانه به شدت سرکوب شود و جو خفقان و وحشت اشاعه یابد، میلیونها انسان با فقر دست و پنجه نرم کنند و به بدترین شکل ممکن ادامه ی حیات دهند، زنان و کودکان، از ابعاد و زوایای مختلف تحت ستم و انقیاد قرار گیرند به خاطر زورمداری سرمایه داران و حکومتهای محافظ آنها تباہ شوند. چون در اصل این مردم کارگر و زحمتکش هستند که باید برای ارضای حرص و آز هر چه بیشتر سرمایه داران و کسب ارزش اضافی و سود بیشتر آنان، کار کنند و زندگی و هستی خویش را از دست بدهند.

امروز در ایران ما، سخن فراتر از این است، اگر کارگران و زحمت کشان در کشورهای دیگر حداقل از حق اعتراض نسبت به زندگی نکبت بار خود برخوردارند، در این جا کوچک ترین حرکت اعتراضی با شدیدترین شیوه سرکوب می شود.

احکام سنگین برای پیشروان کارگری، دانشجویی، زنان و معلمان و جنبش های اجتماعی، خود، نمونه بارز این گونه سرکوبها است. محمود صالحی رهبر سرشناس جنبش کارگری ایران بعد از گذراندن دوران محکومیتش با وثیقه چهل میلیون تومانی آزاد میشود.

منصور اسانلو و دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب و تعدادی از فعالان جنبش زنان، همچنان در زندان بسر می برند و در این روزها شیت امانی، یکی دیگر از پیشروان جنبش کارگری ایران به جمع دست گیر شدگان اضافه شده است.

بیکاری و تورم چهارصد درصدی، جامعه ی فقر زده ی ایران را به طرف یک فاجعه ی عظیم انسانی سوق میدهد.

بیکاری جوانان آماده ی کار ناامیدی از زندگی عدم توانای تشکیل خانواده، اعتیاد و فساد رابه حد نهای خود رسانده است دختران جوان آرزوهایشان نقش بر خاک میشوند و بعضی از طریق باندهای مافیایی همانند کالا، برای تن فروشی به کشورهای حاشیه خلیج فارس، صادر میشوند و این درحالی است که امسال حکومت ایران میلیاردها دلار فروش نفت داشته است. اما این درآمد ارزی نه تنها هیچ تاثیر مثبتی روی زندگی توده های کارگر و زحمت کش نداشته، بلکه تنها و تنها تورم و بیکاری را دامن زده است. محاصره اقتصادی و به دنبال آن ورشکستگی و تعطیلی مراکز تولیدی خود بر ابعاد بیکاری، بالا رفتن قیمت مسکن و دیگر کالاهای مصرفی افزوده است.

واقعیت اینکه نظام سرمایه داری علیرغم هر ادعا یی که داشته باشد جوابگوی زندگی بشر امروزی نیست و تاروژی که این نظام استثمارگری و ضدانسانی وجود داشته باشد، آحاد بشر رنگ امنیت و آسایش را نخواهند دید.

لذا تنها راه ممکن برای خوشبختی انسانها و بویژه کارگران در مبارزه و جدال با اس و اساس چنین نظام نابرابر و ضد انسانی است و برای این مهم نیز جز همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران به هیچ چیز نمی توان دل خوش کرد.

پس پیش به سوی وحدت و همبستگی طبقاتی کارگران در پیوند با سایر جنبشهای اجتماعی برای نابودی استثمار انسان از انسان.

چاره ما کارگران در مقابل اینهمه فجایع بشری چیزی نیست جز ایجاد تشکل به نیروی خودمان و دفاع در مقابل تهاجم همه جانبه سرمایه داری. تا وقتی که ما کارگران جدا از هم و بدون سازماندهی مبارزه نماییم به نتیجه نخواهیم رسید و در مقابل سرمایه داران و دستگاه عریض و طویل آنها ضعیف و نا توان خواهیم بود. نباید نیروی اتحاد و همبستگی مان را دست کم بگیریم. جهان دیگری هم ممکن است ما آنرا خواهیم ساخت.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
۱۳۸۷/۲/۱۱
Komite.hamahangi@yahoo.com

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری انجمن فرهنگی، حمایتی کارگران (آوای کار) کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

شرکت ایرانیان مبارز نیز در این تظاهرات چشم گیر بود و اتحاد سوسیالیستی ایرانیان - مونترال، آفیش هایی در دفاع از کارگران زندانی و خواست آزادی آن ها، علیه جمهوری اسلامی و امپریالیسم تهیه دیده بود که در تظاهرات حمل می شد.

خبر جالب

در همبستگی با کارگران ایران این که در

روز اول ماه مه این بود که اتحادیه کارگران اندونزی در اعتراض به دستگیری فعالان کارگری در ایران در مقابل کنسولی ایرانی "ایران طیفوری" که برای بار گیری در بند لنگر انداخته بود به تظاهرات پرداختند و مسئولان کنسولی را وادار ساختند تا با آن ها مذاکره کرده نامه اعتراضی نسبت به زندانی کردن فعالان کارگری و آزادی منصور اسانلو، را به جمهوری اسلامی برسانند.

در ایران،

دولت جمهوری اسلامی امسال از دادن مجوز برای تظاهرات خودداری نمود با این همه در بسیاری شهرها، بویژه در کردستان کارگران اول ماه مه را با شعارهای ضد جمهوری اسلامی برگزار کردند. دستگیری ها و بگیر و ببندها در نقاط مختلف کشور برای جلوگیری از برگزاری تظاهرات اول ماه مه کم نبودند.

ما در اینجا، در حد گنجایش ۲ اعلامیه که توسط کارگران بخش های مختلف منتشر شده است را به عنوان نمونه می آوریم :

۱- بازداشت و زندان و به طور کلی برداشته شدن هر گونه اعمال فشار از کارگران، از جمله کارگران نیشکر هفت تپه، لاستک سازی البرز و...
۲- ما حمایت خود را از خواست ها و مطالبات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه ی زنان، دانشجویان، معلمان، پرستاران و همهمی قشرهای تحت ستم جامعه اعلام داشته و خواهان لغو مجازات اعدام و سنگسار و رفع هر گونه تبعیض و فشار نسبت به آحاد مختلف جامعه می باشیم.

۳- ما ضمن قدر دانی از حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران ایران، خواهان ادامه ی این حمایت ها بوده و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برابری و سایر حقوق اجتماعی از جمله حق آزادی اعتصاب، تجمع، راهپیمایی، قلم، اندیشه، بیان و...
۴- به رسمیت شناختن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) به عنوان روز تعطیل رسمی در تقویم کشوری و حق برگزاری آزادانه ی مراسم گرامی داشت این روز برای تمامی کارگران در همه ی نقاط کشور.

۵- حق ایجاد تشکل های آزاد و مستقل کارگری و سایر حقوق اجتماعی از جمله حق آزادی اعتصاب، تجمع، راهپیمایی، قلم، اندیشه، بیان و...
۶- به رسمیت شناختن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) به عنوان روز تعطیل رسمی در تقویم کشوری و حق برگزاری آزادانه ی مراسم گرامی داشت این روز برای تمامی کارگران در همه ی نقاط کشور.

۷- رفع تبعیض جنسی و اجتماعی و برابری حقوق و دستمزد زنان با مردان در ازای کار برابر و برخورداری زنان کارگر خانگی و زنان خانه دار از تامین اجتماعی.
۸- برخورداری کارگران مهاجر از حقوق کامل اجتماعی و جلوگیری از اخراج و بیکارسازی آن ها.

۹- لغو قانون سه جانبه گرائی در کلیه امور مربوط به طبقه ی کارگر و تعیین قوانین کار توسط خود کارگران.
۱۰- آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسانلو و همهمی زندانیان سیاسی و لغو احکام صادره علیه فعالین کارگری و سایر جنبش های اجتماعی.
۱۱- قطع فوری تهدید، ارباب،

شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری
۱۳۸۷/۱/۲۹
www.shorayehamkari.com
www.shorayehamkari.com
shorayehamkari@gmail.com
کارت گران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه کمیته دفاع از محمود صالحی

قطعنامه شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری به مناسبت اول ماه مه ۱۳۸۷

یک زندگی انسانی. ۲- تامین امنیت شغلی برای همه ی کارگران و سایر اقشار تحت ستم و لغو قراردادهای موقت و سفیدامضاء. ۳- پرداخت فوری کلیه حقوق و مزایای معوقه ی کارگران همراه با خسارت های وارده به آن ها در طول مدت تعویق. ۴- پرداخت بیمه ی بیکاری مکفی به کلیه ی کارگران آماده به کار، بیکار شده و اخراجی تا زمان بازگشت به کار و اشتغال مجدد آن ها. ۵- حق ایجاد تشکل های آزاد و مستقل کارگری و سایر حقوق اجتماعی از جمله حق آزادی اعتصاب، تجمع، راهپیمایی، قلم، اندیشه، بیان و... ۶- به رسمیت شناختن اول ماه مه (روز جهانی کارگر) به عنوان روز تعطیل رسمی در تقویم کشوری و حق برگزاری آزادانه ی مراسم گرامی داشت این روز برای تمامی کارگران در همه ی نقاط کشور. ۷- رفع تبعیض جنسی و اجتماعی و برابری حقوق و دستمزد زنان با مردان در ازای کار برابر و برخورداری زنان کارگر خانگی و زنان خانه دار از تامین اجتماعی. ۸- برخورداری کارگران مهاجر از حقوق کامل اجتماعی و جلوگیری از اخراج و بیکارسازی آن ها. ۹- لغو قانون سه جانبه گرائی در کلیه امور مربوط به طبقه ی کارگر و تعیین قوانین کار توسط خود کارگران. ۱۰- آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی از جمله منصور اسانلو و همهمی زندانیان سیاسی و لغو احکام صادره علیه فعالین کارگری و سایر جنبش های اجتماعی. ۱۱- قطع فوری تهدید، ارباب،

بیکارسازی و اخراج های فردی و دسته جمعی و تحمیل شرایط به غایت ناعادلانه ی "قراردادهای کار" به کارگران تحت عنوان "قراردادهای موقت و سفید امضاء" و کار تحت شرایط و ضابطه ی شرکت های پیمانکاری، تعویق دستمزدها حتی به مدت چندین و چند ماه و تعرض به ابتدائی ترین و پایه ای ترین حقوق و مطالبات کارگران که امروزه تماماً در سطوح بین المللی به رسمیت شناخته شده اند، از قبل حق آزادی تشکل و اعتصاب، حق آزادی بیان و تجمع و... و در همین رابطه تهدید و ارباب و دستگیری و زندان در پاسخ به اعتراض کارگران به بی حقوقی و ناامنی شغلی و اقتصادی خویش، تمارازهاوردی است که سرمایه داری در قبال انباشت بیشتر و افزون تر سرمایه و کسب ارزش اضافی بر کارگران تحمیل می نماید. حمله به تجمعات کارگران از جمله هجوم به اجتماع کارگران جویای کار معدن مس خاتون آباد و تیر اندازی و کشتار آنان، تعرض و دستگیری بی دربی کارگران نیشکر هفت تپه، حمله به تجمع کارگران لاستیک سازی البرز، اجرای حکم شلاق نسبت به فعالان کارگری دستگیر شده ی اول ماه مه ۱۳۸۶ به جرم برگزاری مراسم بزرگداشت این روز، تنها نمونه هایی از این تعرضات سرکوبگرانه و ضد کارگری در ایران است. با این همه کارگران هیچ گاه در برابر این تهاجمات سناکت ننشسته و همواره صدای اعتراض خویش را در مقابل تعرض سرمایه و حامیان آن به سطح معیشت و حقوق پایه ای خویش بلند کرده اند.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر را در شرایطی برگزار می کنیم که نظام سرمایه داری با بحران ساختاری و فزاینده ی دست به گریبان است و برای تقلیل بحران های خویش تهاجم گسترده ای را نسبت به کارگران و هم چنین دستاوردهای اجتماعی نزدیک به دو قرن مبارزات طبقه کارگر جهانی به منظور باز پس گیری آن ها سازمان می دهد.

سرمایه داری در ایران نیز در هماهنگی با سرمایه ی جهانی و در جهت تامین شرایط مطلوب برای انباشت روز افزون سرمایه، کارگران را به شدیدترین شکل ممکن مورد بهره کشی و استثمار قرار می دهد و به سپروزی و تباهی می کشاند. تا آن جا که در ۵۰ سال گذشته، کارگران ایران هیچ گاه در چنین سطح نازلی از وضعیت زندگی و معیشت قرار نداشته اند. فقر و فلاکت در میان کارگران بیداد می کند و به طور جدی آنان را به ورطه ی نابودی و نیستی سوق می دهد. در راستای تهاجم سرمایه به طبقه ی کارگری، کارگران بیکار، کارگران زن خانگی و سرپرست خانوار، کودکان کار و خیابان و کارگران مهاجر، صف اول قربانیان تهاجم سرمایه را تشکیل می دهند.

اما تهاجم سرمایه به نیروی کار کارگر تنها به تقلیل سطح زندگی آن ها محدود نمی شود، بلکه در شرایط موجود، این شرافت انسانی آنان است که توسط تهاجم همه جانبه ی سرمایه لگدکوب می شود. دستمزدهای بسیار نازل و بی مقدار،

۱- بازنگری در میزان حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۳۸۷ (۲۱۹۶۰۰ تومان) و افزایش آن متناسب با تورم واقعی و حداقل های